



نقش جنگ در جامعه پذیری و هویت ایرانیان؛

از معرفت شناسی لاکاتوش تا هستی شناسی ونت

نبی الہ ابراہیمی *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۱/۳۰

[illegible]

مقدمه

بسیاری از جنگ‌های مدرن قرن بیستم، همچون جنگ ایران و عراق، به دلیل بار هنجاری و ارزشی خود بیش از آن‌که دارای ارزش‌های مادی باشند، از ارزش‌های معنایی برخوردارند. جنگ عراق علیه ایران مبتنی بر باورها و ارزش‌های منحصر به فرد است و در چارچوب نظریه هنجارگذار میان حاکمیت، هویت و فداکاری از منظر ایران، قرار

می‌گیرد. ارتباط میان جامعه مدنی و دولت در دوران جنگ هشت ساله، به فرایند جامعه‌پذیری در ایران پس‌انقلاب تا حد زیادی کمک کرد.

در جنگ‌های معنایی، فرد به دنبال دستیابی به هدف مشترکی است و بین جنگ و جامعه همبستگی وجود دارد. همان‌گونه که فرد فقط از طریق چالش با دیگری به هویت خودآگاه می‌رسد، هر دولت نیز باید با دیگری به رسمیت شناخته شود. اعلام حاکمیت

* دانشجوی دوره دکترای روابط بین الملل دانشگاه تهران

1. Role

2. Type

سال نهم □ شماره سی و دوم □ بهار ۱۳۸۹



دولت‌ها صرفاً از سوی خودشان کافی نیست و آن حاکمیت باید به رسمیت شناخته شود. جنگ یکی از ابزارهای دستیابی به این شناسایی است به عبارتی، جنگ به معنای قبولی در آزمون نهایی مردانگی سیاسی است. این دیدگاه اگرچه از نظر برخی فمینیست‌ها مطرح شده، اما به نوعی بار ارزشی جنگ را به تصویر می‌کشد.^(۱)

قدرت دولت‌ها در طول جنگ‌ها مشخص می‌گردد و از این طریق معلوم می‌شود

آیا افراد می‌توانند بر خودخواهی خود غلبه کنند و آیا آمادگی دارند برای تمام مردم وطن تلاش کنند و در حال خدمت، جان خود را برای خیری فراگیرتر قربانی کنند یا نه؟^(۲) این ورطه میان فداکاری و حاکمیت، در لفافه هویت اجتماعی و هویت دولت در چارچوب جامعه‌پذیری معنا می‌یابد. جنگ عراق علیه ایران با پارادایم فداکاری و از خودگذشتگی، از سویی هویت دولت را تحکیم بخشید و از سوی دیگر به بنیادی محکم برای تحلیل هویت ایرانی انجامید. ارنست کانتورویچ^۱ در اثر کلاسیک خود به نام «دو گروه پادشاهی؛ رد پای آرمان مرگ در راه میهن»^۲ معتقد است که: در الگوی فداکاری مدنی، سربازان فداکار تا سرحد مرگ وفادار باقی می‌مانند چرا که خود را شهید مفهوم جدید میهن می‌دانند. این عشق به هویت میهنی، در نوعی خیرخواهی ریشه دارد لذا امور شخصی را بر امور مشترک مقدم نمی‌شمارند، بلکه امور مشترک را بر امور شخصی مقدم می‌دانند. عشق به میهن مستلزم درجه‌ای از افتخار است که بر تمام فضیلت‌های دیگر برتری دارد.^(۳) جنگ هشت ساله به تولید و حتی بازتولید دلاوری و فداکاری ایرانی به عنوان یک فضیلت منجر شد و «سرباز وطن»

یا «شهید میهن» مفاهیم جدیدی را در هویت ایرانی سبب گشت.

هویت فرهنگی یک سرزمین نیز از نگاه رفتار سوژه‌های قوم‌نگاری، خود تا حدودی از دل تعامل و کنش و واکنش میان این سوژه‌ها و انسان‌شناسی مطالعه‌کننده آنان برمی‌آید. این تعامل میان سوژه خودآگاه و جنگ و شهادت، مستلزم داشتن یک هویت است. داشتن هویت، به معنی رابطه داشتن با دیگران به شیوه‌های بخصوص و فهم این مطلب است که چنین رابطه‌ای وجود دارد. برای «شخص» بودن، در میان سایر چیزها، باید حتماً فرد باشیم تا از واکنش‌های دیگران نسبت به خود آگاه باشیم و از این آگاهی نیز آگاه باشیم. باید قادر باشیم به دیگران بر مبنای این آگاهی واکنش نشان دهیم، و واکنش خود به دیگران و واکنش دیگران را به واکنش خود دریابیم، و از این درک و دریافت خود در چرخه‌ای دائماً پویا و متغیر از «آگاهی، واکنش و خودآگاهی» مطلع باشیم.^(۴)

این نوع آگاهی و واکنش عمیقاً بر همه چیز اعم از خواسته‌ها، ترس‌ها و امیدهای ما تأثیر می‌گذارد. این آگاهی در واقع هویت ما را تشکیل می‌دهد و هویت

1. Ernest Kantorowicz

2. Parpatria Mori

از لحاظ معرفت‌شناسی بررسی می‌کند. سپس به لحاظ هستی‌شناسی تأثیر این جنگ را در قالب پژوهشی در چارچوب هویت نوع و نقش (دولت و جامعه) مورد کند و کاو قرار می‌دهد و در نهایت به تأثیر جنگ بر جامعه‌پذیری ایرانیان اهتمام می‌ورزد.^(۸) لازم به یادآوری است بازسازی هویت ایرانیان از دو جنبه ملی و مذهبی، هم بر مبانی اسطوره‌ای و نمادین و هم ساخته شدن هویت ایرانی از سوی جامعه بین‌المللی استوار بوده است.

بنیاد معرفت‌شناسی بحث هویت ایرانی

انتخاب دستگاه معرفت‌شناسی مناسب در بحث‌های مربوط به مسائل اجتماعی، نقش بسیار زیادی در درک درست مشکلات جوامع، از جمله مشکلات هویتی و چاره‌جویی برای آنها دارد. آن نوع دستگاه معرفت‌شناسی برای علوم اجتماعی مناسب است که متضمن گسست و ابطال تمام

جنگ ایران و عراق
در طول دوره هشت ساله
خود بر دو نوع هویت
دولت و جامعه تأثیر گذاشته
و هویت ایرانی مدرن را
تعریف نموده است

عیار و انقلاب یا دگرگونی گسترده غیرمرتبط با میراث فکری، تاریخی و فرهنگی و سیاسی گذشته نباشد. در میان ابزارها، روش‌ها و دستگاه‌های معرفت‌شناسی که اکنون مورد استفاده دانشمندان علوم اجتماعی است، سه دستگاه معرفت‌شناسی ابطال‌پذیری کارل پوپر^۱، انقلاب پارادایمی^۲ توماس کوهن و برنامه پژوهشی ایمره لاکاتوش^۳ نسبت به دستگاه‌های معرفت‌شناختی دیگر، اهمیت بیشتری دارند. این دستگاه‌ها یا مکاتب معرفت‌شناسی یا علم‌شناسی، هر یک نگرش خاص خود را به چگونگی دگرگونی و پیشرفت علمی دارد.^(۹) در این پژوهش سعی بر این است از میان این سه دستگاه

ما از روایتی که با دیگران شکل می‌دهیم، نشأت می‌گیرد. کل‌گرایان متدلوژیک نیز بر کل‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. آنها ساخته شدن سوژه‌ها را در یک کل اجتماعی، فرهنگ یا هویت می‌دانند. فوکو فرآیندی را تحلیل می‌کند که در جریان آن سوژه‌ها را فضای مادی، اجتماعی و گفتگویی، که این سوژه‌ها در آن فضا قرار دارند، خلق می‌کنند.^(۱۰) براین اساس، کارگزار فداکار و عاشق میهن در جنگ ایران و عراق سوژه‌ای است که در هویت ایرانی - اسلامی تولید شده و شهید یا جانباز، با کنش و تعاملات خود به بازتولید این هویت پرداخته است. اصولاً جنگ هشت ساله با تکیه بر خودآگاهی گفتمان انقلابی، به جامعه‌پذیری ایرانی نیز کمک نمود. این جامعه‌پذیری خود به خلق دال و مدلول‌های اجتماعی همچون ایثار، کشته شدن در راه وطن و مردانگی منجر شد که با ادبیات تطبیقی مدرن و باستانی ایران همخوانی زیادی دارد. از این منظر، کل‌گرایی هویت، یکی از تابعین فرهنگ‌گیده شدن است.^(۱۱)

ژان فرانسوا لیوتار^۱، یکی از بزرگان پسامدرنیسم، نیز بر این باور است که هیچ فردی جزیره جدا افتاده‌ای نیست. زیرا هر کس در ارتباط با مجموعه‌ای از مناسبات قرار دارد که تصور احساس امنیت، داشتن حریم و وابستگی‌های خاص از این جمله است. مسئله هویت بشر از منظر «هاول»، ارتباط میان انسان، ایده و میهن است که در جنگ‌ها، کنش‌های دفاع و فداکاری یا حریم حاکمیت، از همین هویت سرچشمه می‌گیرند.^(۱۲)

اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که پس از وقوع جنگ‌های معنایی و بازتولید آن در رویدادهای سیاسی و اجتماعی، جنگ چه تأثیری بر جامعه‌پذیری دولت و جامعه مدنی باقی می‌گذارد؟ به تبع آن، جنگ ایران و عراق در طول دوره هشت ساله خود بر دو نوع هویت دولت و جامعه تأثیر گذاشته و هویت ایرانی مدرن را تعریف نموده است. هویت مبتنی بر نوع و نقش از زوایای این تأثیر است. این نوشتار برای تحلیل و تبیین جنگ بر هویت و جامعه‌پذیری ایرانیان، «هویت ایرانی» را در قالب برنامه پژوهشی لاکاتوش

1. Jean francois lyotard

2. Fala Sifiability

3. Paradiymatic

4. Research Program

معرفت شناسی ابطال گرایان، دو متغیر غیر وابسته هستند. از نظر پوپر، دانشمندان به محض روبه رو شدن با هر مدرک ابطال سازنده، باید نظریه خود را رها کرده و فرضیات و نظریه های معتبر جدید را جایگزین آن کنند.^(۱۳)

با این وصف، این پرسش به ذهن متبادر می شود که آیا رخداد جنگ ایران و عراق با هویت ایرانی بی ارتباط است؟ آیا به محض بررسی جنگ ایران و عراق می بایست نظریه تکامل هویت ایرانی را کنار گذاشت و تنها تأثیر جنگ بر هویت ایرانی را مطالعه کرد؟ از این رو، به دلیل تکامل و تحول علوم اجتماعی و ارتباط معنادار حوادث اجتماعی با تاریخ آن پدیده، دستگاه ابطال گرایی پوپر نمی تواند نظریه هویت ایرانی را به طور منطقی تحلیل کند. چرا جنگ ایران و عراق به عنوان یک تغییر ناگهانی از منظر این دستگاه معرفت شناسی می بایست از نو به عنوان یک نظریه و جدا از ریشه های اجتماعی و تاریخی آن مورد کند و کاو قرار گیرد؟ اصولاً مسائل اجتماعی را بر خلاف پدیده های علمی - طبیعی یا ریاضی و فیزیک، نمی توان بدون ارتباط با گذشته و به تنهایی مورد بررسی قرار داد. بنابراین؛ می توان گفت گفتمان متأثر از جنگ ایران و عراق، جزئی از هویت ملی ایرانیان و مکمل هویت آنان است.

ب) دگرگونی پارادایمی

دستگاه یا مکتب معرفت شناسی یا فلسفه علم که در دهه اخیر، پس از کاهش محبوبیت دیدگاه ابطال پذیری مورد استقبال جامعه علمی قرار گرفت، تحول علمی یا انقلاب علمی است که از سوی توماس کوهن در کتاب معروف او یعنی "ساختار انقلاب های علمی" مطرح شد.^(۱۴)

براساس این نگاه نو، یک علم تکامل یافته، به وسیله پارادایم واحد نظارت و هدایت می شود. پارادایم، معیارهای کار و پژوهش مجاز را درون علمی که ناظر و هادی آن است تعیین می کند. پارادایم، مشتمل بر مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون آنهاست که اعضای جامعه علمی خاص آنها را

معرفت شناسی، بهترین دستگاه را برای تبیین جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر هویت ایرانیان بکار ببریم. فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که هویت می تواند به مثابه برنامه پژوهشی قلمداد شود. هویت ایرانی نیز به مثابه نوعی برنامه پژوهشی است که رخداد جنگ بخشی از این هویت را تشکیل می دهد.

الف) ابطال گرایی

از نظر ابطال گرایان، رشته ای از نظریه های متوالی که مبین تکامل تاریخی یک علم است، از نظریه های ابطال پذیر ساخته شده که هر یک از نظریه های این رشته، ابطال پذیرتر از نظریه قبلی است. این شرط ابطال گرایان، که هم زمان با پیشرفت هر علم، باید نظریه های آن علم ابطال پذیرتر و در نتیجه پر محتوا و اخباری تر شوند، هرگونه جرح و تعدیل برای حفظ نظریه از ابطال را رد می کند.^(۱۵) پوپر از هنگام انتشار نخستین چاپ آلمانی کتابش تحت عنوان

در بحث امنیت ملی،
نظریه معرفت شناسی
لاکاتوش مناسب ترین شیوه
مواجهه با ناهنجاری های
ناشی از تحولات نوین
اجتماعی، سیاسی،
اقتصادی و فرهنگی است

"منطق اکتشاف علمی در ۱۹۳۴"، همواره بر این نکته تأکید داشت که کوشش های علمی باید صرف ابطال نظریه ها شود. به باور وی، نظریه را می توان در پرتو شواهد مناسب به طور قطع ابطال کرد.^(۱۶) این محدودیت های ابطال گرایی، مشکلاتی را باعث شد. این اشکال مهم وجود داشت که اگر اندیشمندان بی کم و کاست از روش شناسی ابطال گرایان تبعیت می کردند، نظریه هایی که عموماً از بهترین نظریه های علمی محسوب می شوند هرگز تحول نمی یافتند زیرا در اولین مراحل کنار گذاشته می شدند.^(۱۷)

به عنوان مثال، نظریه هویت ایرانی و تحول آن با رخداد جنگ ایران و عراق، طبق دستگاه

ج) برنامه پژوهشی

لاکاتوش، تصور خود را از علم، برای اصلاح و فائق آمدن بر مشکلات رویکرد ابطال گرایی طرح کرد. برخلاف ابطال گرایی که چارچوب مشخص و منظمی ندارد و با هر برنامه یا تصمیم روش شناختی ابطال ناپذیر همراه است، برنامه لاکاتوش از ابطال محفوظ بوده و از تحول و توسعه استقبال نموده است؛ از این رو، پدیدارهای از پیش شناخته شده را در برگرفته و پدیدارهای بدیعی را پیش بینی می کند.

در برنامه پژوهشی لاکاتوش، توانایی مقایسه برنامه های

پژوهشی رقیب وجود دارد. این کار در قالب یک برنامه پژوهشی منفرد شامل بسط و تفصیل فرضیه های گوناگون صورت می گیرد.^(۹۸) از نظر لاکاتوش، آن چه باعث پیشرفت علم و تکامل آن

می شود نه ابطال و کنار گذاشتن فرضیه ها و نه از میان رفتن یک پارادایم است، بلکه انباشت تدریجی نظریه ها و فرضیه ها هسته اولیه علم و معرفت علمی را شکل می دهند و به آن استحکام می بخشند. از نظر لاکاتوش، نظریه های علمی استحکام یافته که بنای علم و معرفت را شکل می دهند حاصل فرضیه ها و شیوه های تجربی گوناگونی است که در طول زمان تحول یافته و به هسته مستحکم یا محور سخت^۲ تبدیل می شوند. این محور سخت که شامل مفروضات اساسی معرفت علمی یا چارچوب اصلی آن است قابل ابطال و کنار گذاشتن نیست. به عبارت دیگر، این محور

به کار می گیرند.^(۹۵) به عبارتی، نحوه ای که دانشمندان چهره خاصی از جهان را مشاهده می کنند به وسیله پارادایمی که در آن کار می کنند تعیین می شود.

کوهن معتقد است پارادایم های رقیب «غیر قابل قیاس» هستند.^۱ به باور وی، پیشرفت متزاید علم، که صفت تبیین علم استقراء گرایان می باشد، از رهگذر انقلاب ها شکل می گیرد.^(۹۶) به نظر کوهن، هر مجموعه خاص از معیارهای ارزیابی، بخشی از یک پارادایم خاص است لذا بیرون از پارادایم های مختلف، هیچ مبنایی برای مقایسه نقاط قوت پارادایم های علمی مختلف وجود ندارد. این که یک نظریه در نهایت بر نظریه دیگر برتری می یابد نتیجه ملاحظات عقلانی صرف نیست بلکه نتیجه عوامل روان شناختی، حوادث و جامعه شناختی است، که با مناسبات قدرت در جامعه گره خورده اند.^(۹۷)

این رویکرد معرفتی نیز در مورد این که دوره هشت ساله جنگ ایران و عراق یا هویت تاریخی ایرانیان هر دو به عنوان پارادایم های جداگانه در نظر گرفته شوند رویکرد علمی و قابل تبیین نیست. اگرچه میان کوهن و پوپر بر سر چگونگی شکل گیری و تکامل و نابودی یک نظریه علمی یا فرضیه تفاوت نظر وجود دارد و یکی آزمون و خطا و تجربه گرایی و عقلانیت را مبنای شناخت و پیشرفت علوم می داند و دیگری ذهنیت و اجماع جامعه علمی و نه تجربه و منطق عقلانی را، اما این دو مکتب معرفت شناسی علمی در یک نقطه با یکدیگر اشتراک دارند و آن ظهور و سقوط نظریه ها و وجود گسست و انقطاع کامل در تکامل علم است.^(۹۸)

هویت بازتولید شده در طول جنگ بر خلاف رویکرد کوهن، از هویت تاریخی ایران منقطع نیست و هویت ایران نیز تا حد زیادی در دوران جنگ بازتولید شده و این دو عنصر یعنی هویت ایرانی و تاریخ جنگ مرتبط و در تعامل کامل بوده اند. این ارتباط از منظر ابطال گرایی که بر انقطاع و ابطال نظریه های قبلی استوار است از ارائه پاسخ به این تعامل دیرینه ناتوان است.

1. Incommen Surable

2. Hard Core

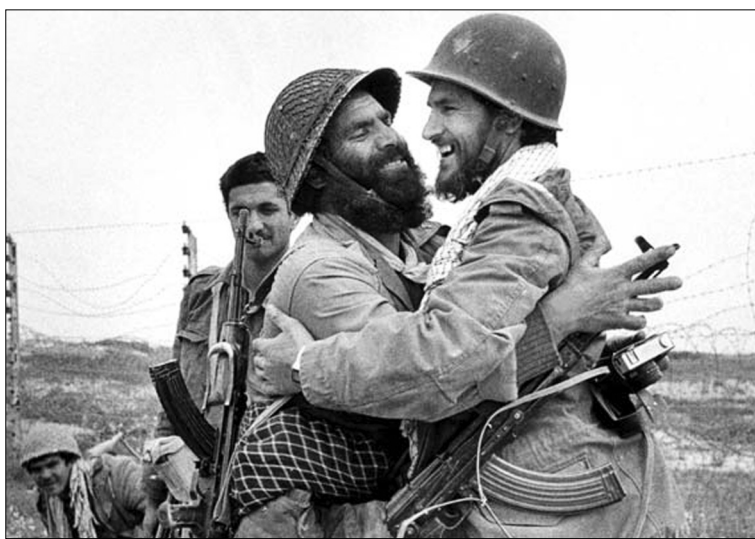
می توان از طریق اصلاح و تقویت عناصر متشکله در دوران جنگ به عنوان یکی از موارد و شرایط نوین یا به تعبیر لاکاتوش «واقعیت های نوین»، تقویت و بازسازی کرد.^(۳۲)

برنامه پژوهشی (هویت ایرانی) برای تبیین رویدادهای گذشته و معطوف ساختن توجه ما به رویدادهایی که پیش تر مشاهده نکرده ایم از مجموعه نیرومندی از اصول ناظر بر عمل جهان کمک

می گیرد. یک برنامه پژوهشی را در صورتی باید به برنامه پژوهشی دیگر ترجیح داد که از رهنمودهای اکتشافی پیروی کند و ما را به واقعیت های تازه ای رهنمون کند که باید آنها را کشف کنیم. اگر برای سازگار نمودن برنامه پژوهشی با مشاهدات جدید در هسته انکارناپذیر آن تغییراتی جزئی بدهیم آن برنامه پژوهشی محدودتر می گردد و به تباهی کشیده می شود.^(۳۳)

بنابراین؛ در میان سه بنیاد یا دستگاه معرفت شناسی مورد بحث، یعنی ابطال پذیری کارل پوپر، تغییر و تحول پارادایمی کوهن و برنامه پژوهشی ایمره لاکاتوش، دستگاه سوم بیش از دو بنیاد معرفت شناسی دیگر برای بحث پیرامون هویت ملی (برنامه پژوهشی) با حقایق نوین (جنگ ایران و عراق) تناسب دارد. این تناسب به این خاطر است که برنامه پژوهشی لاکاتوش بیش از هر چیز با ماهیت علوم اجتماعی و شیوه تطبیقی آن منطبق است.

در این راستا، جنگ ایران و عراق به عنوان حقیقت نوینی به هویت ایرانی اضافه شده است. در ادامه، حقایق جدید و کم و کیف آن در بازسازی و تقویت هویت ملی ایران و تأثیر آن بر بازتولید هویت ایرانیان را مورد بررسی قرار می دهیم.



سخت و هسته اصلی، یعنی مفروضات اساسی، با کمر بند محافظی^۱ که شامل فرضیه های کمکی است از ابطال مصون می ماند.^(۳۴) امروزه آن چه در چارچوب نظریه های عمده اجتماعی مطرح است، برآیند برداشت تدریجی خرده گفتمان ها و گفتمان هایی است که با گذشت زمان به نظریه های قابل قبول تبدیل شده اند. معرفت شناسی و یافتن رهیافت مناسب آن در بحث هویت و همبستگی ملی باعث می شود با کمترین هزینه بتوان چنین گذاری را در فرآیند سیاسی و اجتماعی جامعه طی کرد.^(۳۵)

در بحث هویت ملی نظریه معرفت شناسی لاکاتوش در مقایسه با ابطال پذیری پوپر یا تغییر پارادایمی توماس کوهن، مناسب ترین شیوه مواجهه با ناهنجاری های ناشی از تحولات نوین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. چرا که کنار گذاشتن یک نظریه هویت ملی که خود در طول زمان ایجاد شده و دربرگیرنده عناصر گوناگون هویتی یک اجتماع می باشد و پذیرش کامل مجموعه هویتی جدید امری غیرممکن و غیرسودمند است. در طول جنگ ایران و عراق، هویت ملی ایرانی در مواجهه با هویت های نوین، کامل تر شد. «محور سخت» هویت ملی را که در بازتاب دوره های تاریخی شکل گرفته،

1. Protective Belt

نمی توانستند نسبت به این مولفه های هویت بخش بی تفاوت باشند.

مقاومت در خرمشهر و هویت سازی افراد شاخصی مانند محمد جهان آرا - الگوی نوین هویت بخش ایرانی - و همچنین نقش مردم، اسطوره جدیدی را ترسیم کرد که نمادهای هویتی ایران را با جنگ مرتبط ساخت. مقاومت در خرمشهر با مقاومت مردم شهر لنین گراد در برابر هیتلر از منظر کارشناسان خارجی مقایسه می شود.^(۳۵) از دیگر ابعاد این حقیقت نو بر هویت ایرانی، شأنت تاریخی این رخداد است. حوادث بزرگ، شأن تاریخی دارند

زیرا تاریخ ساز هستند و موجب تمایز یک دوره از دوره های پیش و پس از خود می شوند. این همان چیزی است که در دوره بندی تاریخی به آن توجه می شود. علاوه بر این، شأنت تاریخی یک حادثه یا واقعه از همراهی و توأمانی آن حادثه

فتح خرمشهر، هویت ایرانی را در قالب اسطوره های ملی و نمادسازی ملی بازسازی کرد

و واقعه با تذکر یک حقیقت آشکار می شود. رژیم های خاص حقیقت با شأنت تاریخی خود جزئی از فرهنگ و هویت جوامع محسوب می شوند. به عنوان مثال، بخشی از هویت ایرانیان، مذهبی - شیعی است. در تاریخ نگاری جنگ، ذیل عنوان دفاع مقدس از همان روزهای آغازین، جنگ به شکل جبهه دفاعی - نظامی انقلاب در برابر هجوم دشمن و با عطف به واقعه عاشورا پذیرش عام پیدا کرد. مدافعان ایران، رزمندگان اسلام نام گرفتند و سربازان مهاجم، پیروان صدام یزید کافر و فضای جنگ و درگیری، فضای کربلا را احیا کرد.^(۳۶) این مفاهیم به نوعی به بازتولید هویت مذهبی - شیعی

جنگ ایران و عراق و ابعاد و ارزش های آن به مثابه حقایق پایداری در هویت ملی

سرزمین، تاریخ ایران، میراث سیاسی و نهاد دولت، میراث فرهنگی ایران و میراث معنوی ایران (دین)، همگی محور سخت گفتمان هویت ملی ایرانی را شکل می دهند.^(۳۷) جنگ ایران و عراق و ارزش های آن براساس رویکرد لاکاتوش، جنگ ایران و عراق به عنوان «حقیقتی نو» در هویت ملی ایرانیان (برنامه پژوهشی) در نظر گرفته می شود. به عبارتی، این جنگ به خلق رویدادهایی منجر شد که امکان بازسازی و بازتولید هویت ایرانیان را فراهم کرد. به عنوان مثال، واکنش مردم ایران نسبت به فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ با حضور یکپارچه در خیابان ها و برگزاری مراسم جشن و شادمانی بسیار شگفت انگیز بود و اعجاب ناظران را برانگیخت. جایگاه خرمشهر از لحاظ تاریخی و نقش سرنوشت ساز این شهر و همچنین پیامدهای آن بر فضا و موقعیت آن دوران، از دلایل مهم هویت بخشی این شهر است. علاوه بر آن، موقعیت خرمشهر در کنار اروندرود، نزدیکی به خلیج فارس و دروازه غربی ایران به جهان عرب از چنان اهمیتی برخوردار بود که فتح آن به یکی از مراحل حساس و مهم در بازسازی هویت ایرانی مبدل گشت. علاوه بر این موارد، واکنش مردم به آزادسازی این شهر، در دغدغه و نگرانی آنها از پیامدهای جنگ بر سرنوشت سیاسی اجتماعی شان ریشه داشت.

تعلق خاطر به رخدادهای جنگ و فرآیند آن، جامعه ایران را به تحولات جنگ و پیروزی و ناکامی در آن حساس کرده بود. در واقع، جنگ به بخشی از امنیت هستی شناختی آن تبدیل شده بود. اهداف و آرمان ها و خواسته های مردم ایران با سرنوشت جنگ پیوند خورده بود؛ لذا نتایج جنگ به همان میزان که بر سرنوشت سیاسی مردم تأثیر می گذاشت، سرنوشت جامعه و هویت ایرانیان نیز از آن متأثر می شد. چراکه مردم با انقلاب خود سرنوشت جدیدی را رقم زده بودند که آن در چنبره نتایج رخدادهای سرنوشت ساز جنگ گرفتار شده بود و مردم

براساس مفاهیمی همچون هویت مورد بررسی قرار می دهیم. از آنجا که در معرفت شناسی، مفروضات بنیادین، اساسی و دانشی که به طور اجتماعی ساخته می شود، مورد توجه است؛ فلسفه وجودی و واقعیت هستی شناسی در باب هویت دولت و جامعه و سپس تأثیر این دو نوع ساخت اجتماعی بر هویت ملی ایرانی در طول جنگ، مبحث دیگری است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

الکساندر ونت^۱ با ارائه نظریه اجتماعی سیاست بین المللی^۲ مفهوم هویت را به طور اساسی و از لحاظ هستی شناختی وارد روابط بین الملل کرد.^(۳) از این منظر، هر هویتی برگرفته از تعریف اجتماعی کنش گر است و منشاء آن تصوراتی است که کنش گران به طور جمعی درباره خود و دیگران دارند و به ساختار اجتماعی قوام می بخشند. هویت ها، تجسم شرایط فردیتی هستند که کارگزاران از طریق آنها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.^(۴) لازم به ذکر است «شوتس» نیز به شکل گیری جامعه در تعامل متقابل و نهادین انسان ها معتقد بود. یعنی جامعه و پدیده های آن حاصل شبکه ای از تعامل های اجتماعی معنادار و مشترک افراد است. وی با رویکردی سازه انگارانه بیان می کند جامعه، به عنوان برساختی از تعامل انسان ها باید بر حسب وابستگی کامل به معیارهای تصویری و با توجه به انگاره ها و مبانی مشترک تحلیل شود.^(۵)

«میشل بارنت» نظر دیگری را درباره هویت ارائه کرده که می تواند در بررسی تأثیر جنگ بر هویت ایرانیان مفید باشد. اگر چه بسیاری از پژوهشگران جنگ، نوع هویت بازتولید شده در طول جبهه نبرد را در چارچوب ارتباط میان جوامع و غرور^۲، مورد ارزیابی قرار می دهند و بیشتر جنگ های بین وستفالی و انقلاب فرانسه را از این نوع می دانند اما پژوهشگران متأخر، از جمله ونت و میشل بارنت، درخصوص ارتباط میان جنگ و هویت، نظر دیگری دارند.^(۳)

چارچوب روش شناسی بارنت، براساس حکایات، دیدگاه ها و نمادها دربرگیرنده و معرف دو

ایرانی منجر شد و فتح خرمشهر، هویت ایرانی را در قالب اسطوره های ملی و نمادسازی ملی بازسازی کرد. این حقایق نو در واقع همان واقعیت های نو در برنامه پژوهشی لاکاتوش است.

با این توضیحات در ادامه از لحاظ بعد هستی شناختی، یعنی وجوه هستی شناختی هویت، تأثیر جنگ ایران و عراق را بر هویت نوع و هویت نقش، دولت و جامعه ایرانی مورد بررسی قرار می دهیم.

جنگ، هستی شناسی و هویت

پس از پایان جنگ جهانی دوم، مناظراتی در میان دانشمندان سیاسی ایالات متحده آمریکا درخصوص رابطه میان دولت و جنگ شکل گرفت. این مناظرات اغلب در میان دانشمندان مکتب واقع گرایی صورت می گرفت. ارائه الگوهای

جنگ ایران و عراق

به عنوان جنگی معنایی و ارزشی به ایجاد سرمایه اجتماعی برای دولت انقلابی انجامید

ریاضی وار بر پایه نظریه بازی ها توسط برخی از واقع گرایان این مناظرات را به مراحل نوینی وارد کرد. این رویکرد به ویژه با استفاده از ریاضیات برای توصیف رفتار انسانی در زیر چتر نظریه انتخاب عقلانی، انتقادات بسیاری را برانگیخت. در دوران جدید، سازه انگاران این ارتباط میان جنگ و دولت را در قلمرو هستی شناسی^۱ و تحت تأثیر عوامل معنایی مهمی چون هویت می دانستند.^(۴)

در مباحث گذشته و از لحاظ معرفت شناسی، وجود ارتباط معنادار میان هویت ملی - مذهبی ایرانی با هویت شکل گرفته در طول جنگ را مبرهن ساختیم؛ اکنون از دریچه هستی شناسی، این ارتباط را

1. Ontology

2. Alexander Wendt

3. Honor

اساساً به صورت اجتماعی از طریق بین‌الذهانی ساخته می‌شوند. جنگ نیز به صورت یک واقعیت از طریق بین‌الذهانی منجر به ساخته شدن حکایات و هویت‌ها می‌شود.

قبل از جنگ ایران و عراق، ایرانی‌ها در چندین مرحله با دگری به نام عثمانی و روسیه تا حد زیادی به هویت خود رجوع نموده و حکایات را با خوانشی نو در قالب هویت ملی بازتولید کرده بودند. در جنگ ایران و عراق، بار دیگر ایرانیان با

خوانشی جدید به بازسازی و بازتولید هویت ایرانی پرداختند که در آن ارزش‌های اسلامی پررنگ‌تر از همیشه بود. برای پی بردن به تأثیر جنگ ایران و عراق بر هویت ایرانیان ضرورت دارد تحول هویت نوع و نقش را در طول جنگ، مورد بررسی قرار دهیم:

الف: هویت نوع، جنگ ایران و عراق

شناخت بین‌المللی از هویت ایرانی پس از سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ ش، هویت شیعی - انقلابی بود. ایران انقلابی، بخشی از جهان معترض به نظم بین‌المللی آن زمان بود. نقش هویتی ایران در خاورمیانه نیز هویت تاریخی و تمدنی بود. هویت شیعی - ایرانی تا حد زیادی در هویت فارسی - ایرانی ریشه داشت و از این منظر از جانب اعراب به عنوان تهدید دو گانه (شیعی - ایرانی) تحلیل می‌شد.

ایران هویت خود را از منظر ام‌القری جهان اسلام به تصویر می‌کشید و هویت دیگران را در دریچه‌ای آمیخته با هویت مرتجع و آمریکایی می‌پنداشت. «هویت نوع شیعی» ایرانی با ریشه‌های فارسی (تاریخی)، از لحاظ بین‌المللی و منطقه‌ای پس از رویارویی با دشمن بعثی (آمریکایی - شوروی)



دسته از هویت است: یکی هویت نوع^۱ و دیگری هویت نقش^۲. در طول جنگ‌ها این دو هویت بر سیاست خارجی (سطح بین‌المللی) و سیاست داخلی (جامعه و سطح داخلی) تأثیر می‌گذارند. محیط داخلی و بین‌المللی از ساخت این دو نوع هویت در جنگ‌ها متأثر است. بارنت مثلاً از تز حکایات تاریخی در مورد نوع هویت کشورها سخن به میان می‌آورد و ارتباط معنادار هویت‌های کنونی کشورهای درگیر منازعه با روایت‌های فرهنگی و تاریخی آنها را گوشزد می‌کند.^(۳)

مثلاً جنگ در مقابل دشمن خارجی برای نوع هویت نظام سیاسی (مردم سالار، اسلامی، شیعی، شرقی یا غربی)، بر حسب «نوع هویت» تفسیر می‌شود و دارای منزلت امنیت هستی‌شناختی است. رویکرد ریشه‌ای بارنت ثابت می‌کند که «نقش هویت» بیشتر در سطح بین‌المللی نمود می‌یابد. مثلاً هویت نوع انقلابی - شیعی ایران در طول جنگ ایران و عراق بازتولید شد و ارتباط معناداری با حکایات مذهبی شیعه در ایران پیدا کرد. این نوع هویت در برابر هویت بعثی - عربی - سنی اشکال جدیدی به خود گرفت. سازه‌انگاران معتقدند که واقعیت‌ها

1. Type Identity

2. Role Identity



تقویت شد. به عبارتی، هویت نوع در ایران طبق «حقیقت نو» رویکرد لاکاتوشی، در رویارویی با عراق و کشورهای حامی این کشور، به طور بین المللی و در شکل نوع هویت ساخته شد.^(۳۳) به هر حال به همین دلیل بود که ایران توجه خود را در جهت مقابله و محدود کردن نفوذ دیگر قدرت های بزرگ نیز قرار داد. این امر به مفهوم آن است که قالب های ایدئولوژیک و نشانه های جدیدی تولید شد که

می توانست بر تحولات سیاسی و سیاست خارجی ایران تأثیر بگذارد.

در این جا هویت سیاست خارجی ایران در چارچوب «نوع هویت» مشخص و نهادینه شد. این هویت مقاومتی، در فضای گفتمانی خاورمیانه بعد از انقلاب اسلامی و به ویژه در طول جنگ ایران و عراق تقویت شد و نشانه ای از واکنش سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به الگوهای موجود بین المللی بود. هویت نوعی اسلام سیاسی متأثر از جنگ فوق، برای کنش گری گروه های سیاسی و جنبش های اسلامی قابلیت اعتباری ایجاد کرد. این ایدئولوژی صرفاً تا زمانی کارآمد بود که به کنش گری برای نیل به اهداف هویتی قادر باشد.^(۳۴)

ب: هویت نقش و جنگ ایران و عراق

تاریخ و فرهنگ ملی کشورها به طور اجتماعی و بین الذهانی از طریق حکایات ساخته می شوند و در چارچوب هویت نقش می باشند. به عنوان مثال، هولوکاست برای اسرائیلی ها نوعی هویت نقش و جزئی از هویت ملی آنان محسوب می گردد. هویت های مدرن اغلب در حکایات تاریخی تعریف می شوند.^(۳۵) هویت نقش از لحاظ سطح داخلی در

طول جنگ ها ریشه دارتر است. هویت انقلابی ایران در طول جنگ با تولید ادبیات شهادت، مقاومت و با ارتباط معنایی خود با فرهنگ و تاریخ مردانگی و شجاعت ایرانی به خلق آثاری درخور هویت ملی ایران منجر شد.

هویت شکل گرفته در طول جنگ با بهره گیری از گفتمان های ایرانی - دینی، و عدم نفی تمام عناصر هویتی، سعی در پایان دادن به منازعه های هویتی داشت. با توجه به تغییرات به وجود آمده در نوع حکومت و ایده و افکار مردم، مسئله هویت، نمود بیشتری یافت. در این هویت، اسلام و ایران به عنوان دو عنصر محوری هویت ملی ایرانیان، بیش از همه عناصر دیگر مطرح شدند.^(۳۶)

این واقعیت نوین یا به تعبیر لاکاتوش، حقایق نو در هویت ملی ایرانی، باعث بازسازی دوباره و محوری هویت ایرانی گردید. این هویت به طور اجتماعی و بر اثر کنش و واکنش های جمعی مردم و بر حسب ایده های مشترک خلق گردید. گفتمان هویتی شکل گرفته در طول جنگ ایران و عراق، به دلیل مواجهه با پان عربیسم ابعاد تازه ای به خود گرفت و مطالعات ایران شناسی را در حوزه دانشگاهی گسترده کرد.

را کشف کنیم.^(۳۹) در این پیوندها، جامعه پذیری به سرعت در زیر چتر سرمایه اجتماعی و سازماندهی اجتماعی گفتمان جنگ ایران و عراق صورت پذیرفت.

تأثیر دیگر جنگ بر جامعه پذیری ایرانیان را می توان در قالب نظریه کنش ارتباطی تحلیل کرد. واکنش میان جامعه مدنی و دولت، مطابق الگوی اخلاق گفتگویی است. هابرماس پس از نظریه کنش ارتباطی، مجموع مقالاتی را در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ منتشر ساخت که در آنها «اخلاق گفت و گویی» را مطرح و تلاش کرد اجزاء اساسی ارزش شناسی اخلاق کانتی را در

نمونه بین الاذهانی و مبتنی بر گفتگو وارد کند که در اثر سابقش آن را مطرح کرده بود.

در دهه ۱۹۹۰ نظریه اخلاق و حقوق هابرماس نیز منتشر شد. این نظریه بین واقعیات و هنجارها (۱۹۹۶) به دنبال بازسازی رابطه درونی

حقوق موضوعه مدرن، نظریه اخلاقی ارزش شناسی مدرن و بنیان گفتگویی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی است.^(۴۰) در همین ارتباط، یعنی تأثیر جنگ ایران و عراق بر جامعه پذیری ایرانیان، مفروضات مکتب کنش متقابل نهادین (مکتب شیکاگو) مصداقیت است. هربرت بلامر (۱۹۶۹) موجدترین صورت بندی ممکن را از مفروضات کنش متقابل به شرح زیر ارائه کرده است:

۱. انسان ها بر مبنای معناهایی که چیزها برای آنها دارند روی آن عمل می کنند.
۲. این معانی محصول کنش اجتماعی در جامعه بشری اند.

لازم به یادآوری است که جنگ به عنوان یک عامل تغییر و دگرگونی در هر جامعه ای، وجدان گروهی و جمعی انسان ها را حساس می کند و در این رابطه روی هویت فردی، اجتماعی و ملی تأثیر می گذارد.^(۴۱) حال پس از بررسی ارتباط و تأثیر جنگ ایران و عراق بر هویت ایرانیان، تأثیر این مولفه مهم بر جامعه پذیری ایرانیان بررسی می شود.

جنگ ایران و عراق و جامعه پذیری ایرانیان

جنگ ایران و عراق به عنوان جنگی معنایی و ارزشی به ایجاد سرمایه اجتماعی برای دولت انقلابی انجامید. در همین زمینه، کتاب «بگذاریم دموکراسی کار کند»^۱ از پونتام در چارچوب فرهنگ مدنی و جامعه پذیری به همین پیوند اشاره می کند که «شکی در این نیست که فرهنگ مدنی (یا سرمایه اجتماعی) نقش مهمی در فرآیندهای سیاسی دارد، اما آنچه جای تردید دارد نقش نسبت داده شده به فرهنگ مدنی در تحلیل این فرآیندها و نیز ارتباط این بعد و جنبه های دیگر ساختار اجتماعی است. آن چه مایه حیرت است تبیین نهایی پونتام از پایداری و استمرار فرهنگی^۲ است که در فرآیندهای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی بازتولید می شود.^(۴۲)

این جامعه پذیری در سیاق سرمایه اجتماعی صورت می پذیرد. بنابراین، جنگ ایران و عراق به دلیل بازتولید و بازسازی فرآیند هویتی (دینی - ایرانی) تا حد زیادی توانست به پایداری و استمرار فرهنگی و جامعه پذیری منجر شود. این جامعه پذیری در بطن تولید سرمایه اجتماعی دولت انقلابی با تکیه بر گفتمان هویت مذهبی، در طول جنگ شکل گرفت. همجوشی مفهومی^۳ دولت و جامعه مدنی، معانی فراوانی به خود گرفته است. یک شیوه استفاده از این همجوشی، شناسایی محدودیت های سیاست است. اگر سیاست، کلیت جامعه را سازماندهی می کند، جامعه مدنی نیز قابلیت و فضای لازم را برای سازماندهی اجتماعی فراهم می کند.

سرمایه اجتماعی به ما امکان می دهد این فضاها

موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های جبهه‌های جنگ درگیر ساختند. این بزنگاه، با خود شیفتگی جمعی، معنای هویت ایرانی را در قالب معناها و نمادهای مذهبی - شیعی بازتولید نمود.^(۳۳) این بازتولید مستمر با استمرار فرهنگی جامعه‌پذیری همراه شد. بنابراین جنگ ایران و عراق تأثیر فزاینده‌ای بر جامعه‌پذیری ایرانیان داشته است.

سخن پایانی

رهیافت گفتمانی^۱، با تمرکز بر چگونگی تولید و سازمان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر و کارگزار اجتماعی از قبل موجود، رویکرد متفاوتی در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها دارد. به بیان دیگر، در نزد یک تحلیل‌گر گفتمانی، هویت در گردونه‌ای تنیده شده از استمراریتها و عدم استمراریتها، سنت‌ها و بدعت‌ها، تکرارها و انقطاع‌ها، و در رابطه‌ای برآمده از مناسبات در زمانی^۲ و هم‌زمانی^۳، جانشینی^۴ و همنشینی^۵، سازواره و ناسازواره و عقلانی و غیرعقلانی شکل می‌گیرد. معنی‌یابی یا هویت‌یابی، محصول موقعیت، منزلت و جایگاه سوژه است.

پساساختارگرایان و پسامدرنیست‌ها نیز، همچون نظریه‌پردازان گفتمانی، هویت را محصول زمان و تصادف می‌دانند که توسط منطق یا اصلی فراتاریخی معین نمی‌شود.^(۳۴) این رویکرد در مورد هویت ملی ایرانیان و کامل شدن آن در طول جنگ ایران و عراق، که هویت را امری تصادفی و غیرمنقطع فرض می‌کنند، قابل استناد نیست؛ چرا که هویت ایرانیان در جریان تحولات تاریخی - اجتماعی و وابسته به جریان‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بازسازی و بازتولید می‌شود و جنگ مذکور از چنین ویژگی‌ای برای تکمیل هویت ایرانی برخوردار بود.

در بخش مربوط به ارتباط میان هویت ملی ایرانیان و جنگ ایران و عراق، در این نوشتار با تأکید بر لزوم برخورداری از دستگاه معرفت‌شناسی مناسب، برای بحث پیرامون هویت ملی و شرح و توصیف سه دستگاه معرفت‌شناسی

۳. در جریان یک فرآیند، هر فرد در برخورد با نشانه‌ها تفسیری را به کار می‌گیرد.

این سه فرضیه تقریباً بر ذهن، خود و جامعه متکی است. مید، در همین پیوند توجه خود را به زبان یا نماد معنادار معطوف می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت نهاد معنادار، نوعی معنای مشترک است. این معنای مشترک در جریان کنش متقابل تکوین یافته است چراکه مردم در هماهنگی با یکدیگر به دنبال رسیدن به نتایج عملی‌اند.^(۳۵)

در جنگ ایران

و عراق، نتایج

عملی مردم در

جریان کنش

متقابل، با تکیه بر

نمادها و معناهای

ایرانی و دینی در

یک فرآیند تفسیری

پیرامون پیروزی در

جبهه‌های جنگ

معنا می‌شد. این

فرآیند، همان

جامعه‌پذیری

نهادین مردم ایران

در طول دوران جنگ بود. زمانی که افراد بایک دولت ملی همانسازی می‌کنند، در حقیقت آنان خود را با موفقیت‌ها و شکست‌های آن دولت درگیر می‌سازند. اگر در کنار این همانسازی، نهادها و معناهای دینی با رهبری کاریزما به این روند اضافه شود آن گاه جامعه‌پذیری به میزان بالایی انجام می‌پذیرد. هر قدر افراد با شدت بیشتری با ملتی «همانسازی» کنند، رهبران ملی - دینی در بکارگیری نهادهایی مانند پرچم، قانون اساسی، حکایات دینی و ... برای بسیج افراد به منظور پیگیری هدف‌هایی که مورد قبول نخبگان باشد، توانایی بیشتری خواهند داشت.

در جنگ ایران و عراق، این جامعه‌پذیری با همانسازی تقویت شد و مردم ایران خود را با

**جنگ ایران و عراق به دلیل
بازتولید و بازسازی فرآیند
هویتی (دینی - ایرانی)
تا حد زیادی توانست به
پایداری و استمرار فرهنگی
و جامعه‌پذیری منجر شود**

یادداشت‌ها

۱. جین بتکه الشتاین، منابع حاکمیت، هویت و فداکاری، در کتاب مفاهیم در روابط بین الملل، اندرو لینکلتر، ترجمه لیلا سازگار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۵-۱۱۴.

2. Jean Bethke Elshtain, **woman and war** (Nwe york: Basic Books, 1987) p. 113.

۳. الشتاین، پیشین، ص ۱۲۰.

۴. برایان فی، **فلسفه امروزی علوم اجتماعی**، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۶، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۹۶.

۶. همان، ص ۱۰۲.

۷. الشتاین، پیشین، ص ۱۲۳.

8. Vachar Hwvel, **letters to olga** (new york: Itolt, 1989) p, 145.

۹. حمید احمدی، **بنیادهای هویت ملی ایرانی، چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸، صص ۳۶۲-۳۶۳.

۱۰. آلن اف چالمرز، **چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی**، ترجمه: دکتر سعید زیبا کلام، تهران: سمت، ۱۳۵۸، ص ۶۶.

۱۱. همان، ص ۷۶.

۱۲. همان، ص ۸۳.

۱۳. احمدی، پیشین، ص ۳۷۲.

۱۴. همان، ص ۳۶۴.

15. M. Polayani, **Personal knowledge** (London: Routledge and kegan paul, 1973) and **Knowing and Being** (London: Routledge and kegan, 1969) p.p 112- 113.

۱۶. چالمرز، پیشین، ص ۱۱۹.

۱۷. فرد چرنوف، **نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل**، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ص ۲۱۶.

۱۸. احمدی، پیشین، ص ۳۶۶.

19. L. lakatos, **Ufaslification and methdoloigt of scientific Research programmes in criticism and the Growth of knowlegw**, eds, L. lakatos and A. Musgrave (combride combrideg university perss, 1970) p.p. 196 - 198.

ابطال پذیری پوپر، دگرگونی پارادایمی کوهن و برنامه پژوهشی لاکاتوش، به مناسب بودن «برنامه پژوهشی» لاکاتوش برای تحلیل و تبیین هویت ملی ایرانی و بازسازی آن در شرایط جنگ ایران و عراق تأکید کردیم. در دومین گفتار با بهره گیری از هویت نوع و نقش (ونتی) گفته شد که هویت ملی ایران به عنوان پدیده ای دیرپا در طول دوران های طولانی گذشته، یعنی قرن های پیش و پس از اسلام و در جریان سال های ثبات و بحران داخلی - خارجی، دارای فرضیه های محوری و بنیادهای اساسی اشاره شده است، که عوامل و عناصر سازنده و شکل دهنده هویت و ملیت ایرانی را به وجود آورده اند.

این عناصر که با اقتباس از مفهوم محور سخت لاکاتوش از آنها به عنوان محور سخت و بنیادهای هویت ملی ایرانی نام بردیم شامل سرزمین، تاریخ، میراث سیاسی (دولت - ایران شهری) و میراث فرهنگی ایران هستند. بر طبق شرح بسط هنجارها و قواعد تولید شده در طول جنگ ایران و عراق می توان گفت این معناها و ارزش های تولید شده بر مبنای هویت دینی - ملی ایرانی، به نوعی دگرگونی و «حقیقت نو» یا به تعبیر لاکاتوش «واقعیت های نوین» منجر شد. این دگرگونی مولد در طول جنگ، از طرفی واقعیت های نو را در هویت ایرانی به ثبت رساند و از طرف دیگر به تکمیل و بازسازی این هویت انجامید. لازم به یادآوری است گفتمان ارزشی - دینی تولید شده در طول جنگ با تکیه بر اسطوره ها، نهادها و معناهای بومی و مذهبی می بایست از نگاه علمی و جامعه شناختی در جهت اعتلا و ارتقای مفهوم هویت ملی ایرانی بکار گرفته شود. با توجه به نقش محوری مردم در میراث سیاسی و فرهنگ ایرانی، در بخش پایانی این نوشتار اشاره شد که چگونه مردم و جامعه مدنی با تکیه بر استمرار فرهنگی و میراث ایرانی - شیعی، با کنش متقابل نهادین بر مبنای خودشیفتگی جمعی در طول جنگ به روند جامعه پذیری در جامعه کمک نمودند.

۲۰. چالمرز، پیشین، صص ۹۹-۹۸.
۲۱. احمدی، پیشین، ص ۳۷۱.
۲۲. همان، صص ۷۴-۳۷۳.
۲۳. چرنوف، پیشین، ص ۲۱۱.
۲۴. احمدی، پیشین، ص ۴۰۲.
۲۵. محمد درودیان، **علل تداوم جنگ**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۱۷.
۲۶. محمد درودیان، **تاریخ و تاریخ نگاری جنگ ایران و عراق**، دقایق و درنگ ها، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، صص ۳۰-۲۹.
27. R. Harrisn Wagner, **War and the State The Theory of International politics**, Rosi michigan: The univresity of michigan press, 2007, p. 1.
28. Vincent pouliot, **sojectivism Toward a constructivist methodology**, **International studies Quarterly** (2007), 51 , 361.
29. Maia zebfuss, **Constructivism in International Relations**, combridge: combridge university press, 2002, p. 39.
۳۰. وحید اسدزاده، **بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر سازه انگاری**، فصلنامه نگین ایران، سال ششم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۸۷، ص ۵۰.
31. Richara Ned lebow, **Acultral Theory of International Relations**, combridge .combridge university press, 2008. p. 278.
32. M. Baenett, **The Israeli Identity and the Peace Process: Recreating the unthinkable in Telhami and M. Barnett (eds) identity and foreign policy in the middle East**, (It haca and london cornell university press (2002), p. 60.
33. Joanna Tidy **"The social construction of identity: Israeli: foreign policy and the 2006 war in Lebanon"**. Center for Governence and International Affairs .university of Bristol working parer, No. 5 - 8. p. 57.
۳۴. ابراهیم متقی، **نظام دو قطبی و جنگ عراق و ایران**، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸، صص ۲۲۸-۲۳۷.
35. T. Segev, **The seventh million: The Israelis and the Holocaust** (new york: Henry Holt, 1991) p. 11. See also. s. Herman, **Israelils and Jews, The continuity of an identity**, (New York: Randon House, 1970) p. 8.
۳۶. رحمتی، پیشین، ص ۴۵.
۳۷. حمید احمدی، **هویت ملی ایران در گستره تاریخ**، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۲، ص ۵۴.
۳۸. آرنالدو باگناسکو، **اعتماد و سرمایه اجتماعی**، در کتاب راهنمای جامعه شناسی سیاسی، ترجمه: محمد خضری، فرامرز تقی لو و فرامرز پور سعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۳۸.
۳۹. باگناسکو، همان، ص ۴۱.
۴۰. مکس پنسکی، **جامعه، اخلاق و حقوق**، یورگن هابرماس، در کتاب راهنمای جامعه شناسی سیاسی (جلد اول) ترجمه: قدیر نصری و محمد علی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۷۹.
41. Mead, j. G. and meltzer, B. N. **symbolic Interaction: A reader social psychology**, Allen and Bacon, Boston, 1972, p. 39.
42. Hermann, M. G. "Explaining foreign policy behavior using the personal charactr istics of political leaders", **International studies Qurtely**, 24, 1989, p. 16.
۴۳. محمد رضا تاجیک، **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**، تهران: مرکز بررسیهای استراتژیک، ۱۳۸۴، ص ۵۵۵۷.